



شیخ صدوق نیز می‌نویسد: به محمد بن علی الثانی، تقی گفته شد؛ چون از خدا تقوا پیشه کرد و زمانی که مأمون شبانه با حالتی مست وارد شد و او را با شمشیر زد و گمان کرد حضرت را کشته است، خداوند او را نگه داشت.<sup>۳</sup> کنبه‌های حضرت نیز عبارت‌اند از: ابو جعفر ثانی (کنیه جدش امام

الف) سیمای جواد الائمه در یک نگاه

امام محمد بن علی علیه السلام (جواد الائمه) نهمین امام از خاندان اهل بیت علیهم السلام است. القابی که برای آن امام بر شمرده‌اند و هر یک گویای بُعدی از شخصیت آسمانی حضرت است، عبارت‌اند از: «مختار، مرتضی، متوکل، متقی، زکی، تقی، منتجب، مرتضی، قانع، جواد، عالم ربانی، منتجب المرتضی و...»<sup>۱</sup>

ابن صباغ مالکی از القاب «جواد، قانع، مرتضی» یاد می‌کند و می‌گوید: مشهورترین لقب امام، «جواد» است.<sup>۲</sup>

۱. ر.ک: دلائل الامامة طبری، ص ۳۹۶؛ الارشاد، ص ۳۲۷؛ اعلام الوری، ج ۲، ص ۹۱؛ کشف الغمه، ج ۲، ص ۳۴۳؛ بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۱۶.  
 ۲. فصول المهمة، ص ۲۵۴؛ بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۱۵.  
 ۳. معانی الاخبار، ص ۶۵؛ بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۱۶.

باقر علیه السلام و ابو علی<sup>۱</sup>.

به نوشته ابن صباح مالکی، چهره‌ای سفید و اندامی متوسط داشت<sup>۲</sup> و نقش انگشترش به نقل طبری «العزّة لک» مانند انگشتر پیامبر صلی الله علیه و آله بود.<sup>۳</sup>

مادر حضرت، سبکه نوبیه بود.<sup>۴</sup> به نقل شیخ مفید فرزندان حضرت «علی الهادی علیه السلام، موسی، فاطمه، امامه» بودند<sup>۵</sup> و طبرسی از دختران به «حکیمه، خدیجه، ام کلثوم» اشاره می‌کند و می‌گوید: برخی تنها از فاطمه و امامه یاد کرده‌اند.<sup>۶</sup>

شیخ طوسی روز دهم رجب را سال تولد وی می‌داند<sup>۷</sup> و به نقل طبرسی آن امام در عصر معتصم به شهادت رسید.<sup>۸</sup> در این هنگام، ۲۵ سال و ۲ ماه و ۱۸ روز از دوران حیات امام می‌گذشت.<sup>۹</sup>

مرحوم کلینی می‌نویسد:

«محمد بن علی علیه السلام در حالی که

۲۵ سال و سه ماه و دوازده روز از عمرش می‌گذشت، در روز سه شنبه، ۶ روز قبل از ذی حجه سال ۲۲۰ هـ ق شهید شد و بعد از پدر ده سال (منهای

بیست روز) زندگی کرد.<sup>۱۰</sup>

ایشان با محمد امین بن هارون تا سال ۱۹۸ هـ ق (قبل از امامت) معاصر بود. از آن پس با مأمون بن هارون (از ۱۹۸ تا ۲۱۸ قبل از امامت و ۲۱۸ تا ۲۰۳ در زمان امامت) هم عصر بود و سرانجام با معتصم عباسی از ۱۷ رجب یا شعبان ۲۱۸ هـ ق تا لحظه شهادت، ذی قعدة ۲۲۰ هـ ق معاصر بود. اینک که در آستانه شهادت

۱. بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۱۳؛ دلائل الامامة، ص ۳۹۶.

۲. فصول المهمه، ص ۲۵۴؛ بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۱۵.

۳. دلائل الامامة، ص ۳۹۷.

۴. برخی هم خیزران یا بانویی از اهل بیت ماریه همسر پیامبر صلی الله علیه و آله، ریحانه و کینه‌اش ام الحسن، سکینه، دُرّه و اهل مریسیه دانسته‌اند؛ کافی، ج ۱، ص ۴۹۲؛ ارشاد مفید، ص ۲۹۷؛ مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۳۷۹.

۵. ارشاد مفید، ص ۳۲۷.

۶. بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۱۳.

۷. مصباح المستهجد، ص ۸۰۵؛ بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۷.

۸. ارشاد، ص ۳۱۹؛ درباره اقوال دیگر، ر.ک:

دلائل الامامة، ص ۳۹۴؛ بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۷.

۹. کافی، ج ۱، ص ۴۹۲؛ درباره اقوال دیگر، ر.ک:

همان ج ۱، ص ۴۹۷.

۱۰. کافی، ج ۱، ص ۴۹۷.

نکرد. در آنجا مردی بود که مخارق نامیده می‌شد و صاحب صدا و عود و ضرب بود و ریشی دراز داشت. مأمون او را طلبید. در گفتگوی مأمون و مخارق، مخارق گفت: اگر به چیزی از امور دنیا مشغول باشد، من برای مقصود شما کفایت می‌کنم. آن گاه رو به روی امام نشست، مانند الاغ عرعری کرد و وقتی توجه همه را جلب نمود، شروع به نواختن کرد. امام دقایقی بی توجهی کرد و ناگهان سر برداشت و فرمود: «**اتقی الله یا ذا العُتُونِ**؛ ای ریش دراز از خدا بپرهیز.» مخارق چنان از فریاد امام وحشت کرد که ساز و عود از دستش افتاد و تا لحظه مرگ دستش فلج ماند.

۱. درباره امام جواد علیه السلام به مقالاتی که پیرامون این شخصیت آسمانی در ماهنامه مبلغان نگاشته شده رجوع کنید، این مقالات عبارت‌اند از:
  - «نگاهی به سیره تبلیغی امام جواد علیه السلام» ش ۲، محمد حاج اسماعیلی؛
  - «امامت جواد الائمه علیهم السلام با نگرشی بر مسئله امامت و بلوغ جسمی» ش ۹، محمد عابدی؛
  - «مناظره‌ای از امام جواد علیه السلام» ش ۳۳، سید جواد حسینی؛
  - «ماجرای شهادت امام محمدتقی علیه السلام» ش ۳۷، سید مجتبی اهری؛
  - «امام جواد علیه السلام پاسدار حریم وحی» ش ۴۵، عبدالکریم پاک‌نیا.

جانگداز آن امام بزرگ و غریب قرار گرفته‌ایم، به بازخوانی گوشه‌هایی از مظلومیتش در طول دوره امامت تا لحظه شهادت می‌پردازیم:<sup>۱</sup>

### ب) رنجهای امام جواد علیه السلام

امام جواد علیه السلام از همان آغاز امامت با سیل رنج‌ها و یارو بود؛ مشکلاتی که گاه از سوی حاکمان، زمانی از طرف کارگزاران و منسوبین به طاغوتها و گاهی از سوی جاهلان، متعصبان، گروه‌های انحرافی و... ایجاد می‌شد. اینک نمونه‌هایی را مرور می‌کنیم:

#### ۱. شکستن حریم امامت

محمد بن ریان می‌گوید: مأمون به هر حيله‌ای متوسل می‌شد تا بر امام نفوذ کند، اما ممکن نمی‌شد، تا اینکه این فرصت هنگام ازدواج دخترش با امام به دست آمد.

وقتی می‌خواست دخترش، ام فضل را به خانه زفاف امام جواد علیه السلام بفرستد، دویست دختر از زیباترین کنیزکان خود را طلبید و به هر یک جامی که داخل آن گوهری بود، داد تا وقتی در جایگاه نشست، از او استقبال کنند، اما حضرت به هیچ یک توجهی

وقتی مأمون از دلیل آن حالت پرسید، گفت: از وقتی ابوجعفر بر سرم فریاد کشید، وحشتی مرا فرا گرفت که هرگز از جانم بیرون نمی‌رود.<sup>۱</sup>

۲. تهمت مستی و...

فضای تنگ و خفقان‌آلود حاکم بر جامعه چنان امام و یارانش را در تنگنا قرار داده بود که گاه افراد وابسته به طاغوت به آن حضرت توهینهای سنگینی می‌کردند و امام تنها به شکوه به درگاه الهی بسنده می‌کرد. از جمله، عمر از خاندان فرج که با چپاول و رشوه و دزدی ثروت زیادی فراهم آورده بود و در حکومت بنی عباس نفوذ داشت، مدتی فرماندار مدینه شد و در همان زمان نسبت به خاندان نبوت خشونت به خرج می‌داد و کار را به جایی رساند که به امام گفت: به گمانم تو مست هستی! امام جواد علیه السلام در مقابل این گستاخی تنها به درگاه الهی پناه برد و فرمود: «اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنِّي أَمْسَيْتُ لَكَ ضَايِمًا فَأَذِقْهُ طَعْمَ الْحَرْبِ وَ ذَلَّ الْأَنْسَرُ؛ خدایا! چنانچه تو می‌دانی امروز برای تو روزه بودم، پس طعم غارت شدن و خواری اسارت را به او بچشان.»

طولی نکشید که در سال ۲۳۳ هـ ق متوکل بر او غضب کرد و دستور داد ۱۲۰ هزار دینار به عنوان مالیات و ۱۵۰ هزار دینار از برادرش بگیرند. او بار دیگر به عمر غضب کرد و دستور داد هر چه می‌توانند بر گردنش ضربه بزنند و ۶ هزار ضربه زدند و بار سوم کشان کشان به بغداد بردند و همان جا در اسارت مرد. واقعه توهین به امام جواد علیه السلام چنان سنگین بود و دل امام هادی علیه السلام را به درد آورده بود که وقتی خبر مرگ عمر را آوردند، ۲۴ مرتبه «الحمد لله» گفت.<sup>۲</sup>

### ۳. توطئه قتل به اتهام خروج

قطب راوندی از ابن ارومه چنین نقل می‌کند: معتصم تعدادی از وزرایش را فرا خواند و گفت: بر علیه محمد بن علی بن موسی علیه السلام نزد من شهادت دروغ دهید و بنویسید که می‌خواهد خروج کند. آن گاه امام را خواست و گفت: تو علیه من توطئه

۱. کافی، ج ۱، ص ۴۹۴؛ مناقب ابن شهر آشوب،

ج ۴، ص ۳۹۶.

۲. بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۶۲ و ۲۲۱؛ کافی، ج ۱،

ص ۴۹۶.

کرده‌ای! امام فرمود: «وَاللَّهِ مَا فَعَلْتُ شَيْئًا مِنْ ذَلِكَ؛ بِهِ خُذَا سَوَگَنْد! مِنْ چَینِ کَارِی نکرده‌ام.»

مأمون بر وجود شاهدان پای فشرده. امام هم دستش را بلند کرد و عرض کرد: «اللَّهُمَّ إِنْ كَانُوا كَذِبُوا عَلَيَّ فَخُذْهُمْ؛ خدایا اگر بر من دروغ بسته‌اند، آنها را بگیر.» در آن لحظه ایوان لرزید و هر یک از اطرافیان معتصم که بر می‌خاست، بر زمین می‌افتاد. معتصم عرض کرد: «يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ! إِنِّي تَائِبٌ مِمَّا فَعَلْتُ فَادْعُ رَبِّي أَنْ يَسْكُنَهُ؛ ای پسر رسول خدا! از آنچه کردم، توبه نمودم. از پروردگارت بخواه که آن را آرام سازد.» این بار امام دست بلند کرد و عرض کرد: «اللَّهُمَّ سَكُنْهُ وَ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُمْ أَغْدَاؤُكَ وَ أَغْدَائِي؛ خدایا! آرامش ساز و تو می‌دانی که آنها دشمنان تو و من هستند.» در پی این دعا آرامش به ایوان بازگشت.<sup>۱</sup>

به کاخ سلطنت گفتا خلیفه با وزیران کای ابا جعفر ترا قصد خروج و انقلاب آمد ز روی افترا، اورا قسی آوردند کاینها را گرفتیم از غلامانت، چه نزدت گو جواب آمد بگفتا: بارالها! افترا بستند اگر بر من بگیر این دشمنان، کاین افترا حقیق عقاب آمد

که ناگه کاخ گشتی زیر و رو، کآن قوم افتادند خلیفه دید هر یک از خننازیر و کلاب آمد به پوزش معتصم بردست و پا افتاد و تائب شد بگفت ابن کاخ ساکن کن، که سخت این اضطراب آمد بگفتا: بارالها! ساکن این قصر معلق کن که کاذب توبه کرد، از تو قبول مستتاب آمد<sup>۲</sup>

### ج) اخبار شهادت امام جواد علیه السلام

مسعودی می‌نویسد: وقتی ابوجعفر به دنیا آمد، ابوالحسن (امام رضا علیه السلام) به یارانش فرمود: «فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ قَدْ وُلِدَ لِي شَبِيهٌ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ فَالْتَقَى الْبَحَارِ [و شَبِيهٌ عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ] قَدْ سَتِ أُمُّ وَ لَدَتْهُ فَلَقَدْ خُلِقَتْ طَاهِرَةً مُطَهَّرَةً. [ثم قال] يَا بِي وَ أُمِّي شَهِدْتُ نَبِيَّكَ عَلَيْهِ أَهْلُ السَّمَاءِ يُقْتُلُ غَضِظًا وَ يَفْضِبُ اللَّهُ عَلَيَّ قَاتِلِهِ فَلَا يَبْتُ إِلَّا يَسِيرًا حَتَّى يُعَجَّلَ اللَّهُ بِهِ إِلَيَّ عَذَابِهِ الْأَلِيمِ وَ عِقَابِهِ الشَّدِيدِ؛<sup>۳</sup> در این شب برای من فرزندی شبیه موسی بن عمران به دنیا آمد که شکافنده دریاهاست، [و شبیه

۱. الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۶۷۱؛ بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۴۵؛ اثبات الهداة، ج ۶، ص ۱۸۷.

۲. دیوان الادب، علامه محمد صالح حائری مازندرانی، ص ۲۸۲.

۳. اثبات الوصیة، ص ۲۱۰؛ عیون المعجزات، ص ۱۱۸ (با اختلاف).

خیس شد و فرمود: «بعد از من امر امامت مربوط به فرزندم علی علیه السلام است.»<sup>۳</sup>

د) چگونگی شهادت امام جواد علیه السلام  
سابقه خیانت و دشمنی معتصم، خلیفه عباسی، نشان می دهد که دستور قتل توسط وی صادر شده است؛ هر چند عاملان مستقیم آن به نقلهای مختلف، افراد مختلفی باشند و یا هر یک از آنها به عنوان تکمیل کننده پرونده شهادت حضرت عمل کرده باشند. این موضوع به قدری روشن بود که مسعودی می نویسد: «فَلَمَّا أَنْصَرَفَ إِلَى الْعِرَاقِ لَمْ يَزَلِ الْمُعْتَصِمُ وَجَعْفَرُ بْنُ الْمَأْمُونِ يَدَبُرُونَ وَيَعْمَلُونَ الْحِيلَةَ فِي قَتْلِهِ؛<sup>۴</sup> وقتی امام جواد علیه السلام [از مکه با همسرش] به عراق بازگشت، معتصم و جعفر بن مأمون دائماً در تدبیر و دست به کار چاره‌ای برای قتل او بودند.» روایتهای مختلفی که به دست آمده،

عیسی بن مریم [مادرش مقدس است و پاک و پاکیزه خلق شد. به جان پدر و مادرم شهیدی می شود که اهل آسمان بر او می‌گیرند. از روی خشم کشته می‌شود و خدا بر قاتل او خشم می‌گیرد؛ پس [قاتل او] نمی‌ماند مگر اندکی تا اینکه خدا عذاب دردناک و عقاب شدید را به سوی او می‌فرستد.» امام جواد علیه السلام خود فرموده بود که «سی ماه بعد از مأمون اجل او فرا خواهد رسید.»<sup>۱</sup> و به گفته محمد بن الفرج آن حضرت به او نوشته بود: «خمس را برایم بفرستید که بیشتر از امسال در بین شما نیستم.»<sup>۲</sup>

مرحوم کلینی نیز حکایتی دردناک از این آگاهی امام به شهادتش نقل می‌کند و به نقل از اسماعیل بن مهرا ن می‌نویسد: وقتی ابو جعفر علیه السلام از مدینه به بغداد برای بار اول می‌خواست برود، گفتیم: من بر شما می‌ترسم. با چهره‌ای گشاده، فرمود: غیبت من در این سال نیست. وقتی بار دوم به سوی معتصم می‌رفت، گفتیم: شما می‌روید، بعد از شما امامت با کیست؟ حضرت جواد علیه السلام چنان گریست که محاسنش

۱. بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۶۴.

۲. اعلام الوری، ج ۲، ص ۱۰۰۱؛ بحار الانوار،

ج ۵۰، ص ۶۳.

۳. کافی، ج ۱، ص ۳۲۳.

۴. اثبات الوصیة، ص ۲۱۹ - ۲۲۰؛ عبیون

المعجزات، ص ۱۲۹ (با اختلاف).

چنین است:

۱. روایت مسعودی

روایت فوق عامل اصلی قتل را خلیفه عباسی معرفی می‌کند، مسعودی در ادامه می‌نویسد: جعفر بن مأمون که از کینه ام فضل نسبت به امام (به دلیل برتری ام ابی الحسن نزد امام) خبر داشت و می‌دانست که ام فضل از او صاحب فرزند نشده است، در انگور رازقی سم ریخت و ام فضل با تعریف و تمجید آن را به امام داد و حضرت خورد. در این هنگام پشیمان شد و گریست. امام فرمود: گریهات برای چیست؟ به خدا قسم خدا به فقری گرفتارت کند که نجات نیابی و به بلایی که پوشانده نشود.<sup>۱</sup>

۲. روایت ابن شهر آشوب

معتصم به عبدالملک زیات، وزیر خود در مدینه، نوشت که امام و ام فضل را راهی بغداد کند. او هم علی بن یقطین را مطلع کرد و امام راهی شد. معتصم حضرت را گرمی داشت و شناس (فرمانده ارتشی) را با هدایایی به استقبال فرستاد. همراه آنها شربت ترش مزه (ریواس) آلوده به زهر را هم

داد و گفت: این شربت را با یخ خنک کرده‌ایم و امیرالمؤمنین، احمد بن ابی دؤاد، سعد بن خصیب و جماعتی از بزرگان هم نوشیده‌اند و خلیفه دستور داده تا خنک است شما هم بنوشید. امام فرمود: شب می‌نوشم. گفت: آن وقت برفش آب می‌شود. وی آن قدر اصرار کرد که امام آن را نوشید.<sup>۲</sup>

۳. روایت عیاشی

زرقان دوست صمیمی ابن ابی دؤاد، بعد از نقل ماجرای قضاوت فقهاء و امام در مورد قطع دست دزد که به رسوایی قضایان و سربلندی امام انجامید، می‌گوید: سه روز بعد، ابی دؤاد نزد خلیفه رفت و گفت: حق امیرالمؤمنین به گردن من باشد، خیرخواهی در بقاء حکومت و شما بر من واجب است و از این حق روی بر نمی‌گردانم، هرچند مرا در آتش بسوزانند. او گفت: آن چیست؟ ابن ابی

۱. اثبات الوصیة، ص ۲۱۹؛ عیون المعجزات، ص ۱۲۹؛ بحار الانوار، ج ۵، ص ۱۶.  
 ۲. مناقب، ج ۴، ص ۳۸۴؛ بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۸

می شنوند، آن گاه امیر از گفته فقهاء دربار روی بر می تابد و به گفته مردی عمل می کند که بیشتر این امت به امامتش معتقدند و او را سزاوارتر از خلیفه می دانند، با همه اینها، امیر مؤمنان چگونه می تواند از عدم اطاعت مردم و شکست حکومت عباسیان آسوده خاطر باشد؟ رنگ از چهره معتصم پرید و گفت: «جَزَاكَ اللهُ عَنْ نَصِيحَتِكَ خَيْرًا». معتصم روز چهارم به یکی از وزیران دستور داد حضرت را دعوت و مسموم کند و اگر قبول نکرد، بگوید: مجلس خصوصی است. وزیر چنان کرد و امام چون لقمه اول را در دهان گذاشت و احساس مسمومیت کرد، دستور داد مرکبش را برای رفتن آماده کنند و در مقابل اصرار میزبان فرمود: خروج من از خانه به نفع توست. امام آن روز و شب را در اثر مسمومیت در بستر افتاد و سرانجام به شهادت رسید.<sup>۱</sup>

۱. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۹۱؛ وسایل الشیعه، ج ۱۸، ص ۴۹۰؛ بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۵.

**فضای تنگ و خفقان آلود  
حاکم بر جامعه چنان امام و  
یارانش را در تنگنا قرار داده  
بود که گاه افراد وابسته به  
طاغوت به آن حضرت  
توهینهای سنگینی می کردند  
و امام تنها به شکوه به درگاه  
الهی بسنده می کرد.**

دوآد گفت: وقتی امیر مؤمنان در مجلس فقها رعیتش را جمع می کند تا درباره مسئله ای حکم دهند، آن گاه آنان حکم را براساس آنچه نزدشان ثابت است، اعلام می دارند و این در حالی است که وزیران و حاجبان و خانواده خلیفه در مجلس حضور دارند و مردم عوامی که در پشت درها هستند، مطالب را